

چهلین سالگرد

انقلاب کبیرفرهنگی پرولتاریا ییچین رابادفاع فعال از مائوایزم جشن بگیریم!

در ماه اکتبر سال 1949 مائوتسه دون جمهوری دموکراتیک خلق چین را اعلام نمود. این به آن معنی که قدرت سیاسی ارتجاع و امپریالیزم در چین سرنگون گردیده است. اما همه میدانستند که هنوز نبردهای مهمی هنوز پیش روست و ممکن مسئله بعکس برگردد و بورژوازی قدرت پرولتاریا را سرنگون سازد. هم کمونیستهای این مسئله را میدانستند و هم عوامل بورژوازی. به این طریق مبارزه پرولتاریا و سرمایه‌داری در چین بعد از سال 1949 وارد یک مرحله جدید شد که در یک سطح خیلی بالاتر و ظریف تر انجام مییافت. مرکز ثقل این مبارزه از نظر سیاسی این بود که پرولتاریا چگونه سیادتش را حفظ کند. چگونه سوسیالیزم را بسازد و بدون آنکه به بورژوازی امکان بازگشت بدهد بسوی جامعه بدون طبقه به پیش برود. این مرحله یک جنبه بسیار مهم تاریخی نیز داشت و آن اینکه از تکرار تجربه تلخ اتحاد شوروی جلوگیری کند. این دو وظیفه عظیم خود بخود مسایل مهم دیگر از قبیل اهمیت جهانی تئوریک این مبارزه و تاثیر آن بر مبارزات خلقها و پرولتاریای جهان را مطرح میساخت. از نظر اهمیت تئوری این مرحله باید به این سوال پاسخ میگفت که شکل دیکتاتوری پرولتاریا، حفظ قدرت سیاسی و تداوم انقلاب در عصر امپریالیزم و انقلاب پرولتری چگونه باید اعمال شده و چطور از احیای مجدد سرمایه‌داری جلوگیری کرد؟ پاسخ به این سوالات شکل و ماهیت دیکتاتوری پرولتاریا را تکامل میداد، بالایی آورد به یک سلاح جهانشمول تئوریک پرولتاریا میداد. شرایط عینی ای که این مبارزه در بطن آن انجام میشد نشان میداد که دیکتاتوری پرولتاریا فقط در شکلی که تا آنروز کشف شده بود، یعنی وجود دولت پرولتری و پیشبرد ساختار سوسیالیزم تنها از نظر اقتصادی کافی نیست. زیرا ظهور سرمایه‌داری در اتحاد شوروی و غضب قدرت بواسطه رویزونیستهایشان داده بود که مبارزه پرولتاریا از طریق دولت و ارگانهای سیاسی با بورژوازی قادر بشکست کامل بورژوازی نمیشد. زیرا میکانیزم سیاسی ارگانهای سیادت پرولتاریا یعنی حزب و دولت و غیره میتوانند به مخفیگاه عوامل بورژوازی مبدل شوند. در این مخفیگاه هاست که آنها به مدارج بالای حزب و دولت عروج میکنند. خروشف و برژنف، لیوشائوچی، تینگ سیاوپینگ، لین بیائو، پینگ ته هوای و غیره همه در این ارگانها مخفی شده بودند و از آنجا نظام پرولتری را تخریب میکردند. این مبارزه به این طریق یک مسئله مهم فلسفی یعنی وحدت "دودریک" و تئوری تضاد را وارد عمل میکرد و بعنوان سلاح برنده بدست توده هاد جهت حل تضاد در جامعه میسپرد. بنا به ایندلیل، این مبارزه علیرغم اینکه در چین انجام مییافت، نمیتوانست در مرزهای چین محدود بماند و بر مبارزات خلقهای تحت ستم و انقلابی دنیا موثر نباشد. همانطور که جنبه فلسفی، تاریخی و تئوریک این مبارزه جهانی بود، از نظر سیاسی پرولتاریا و خلقهای تحت ستم دنیا، کمونیستها و انقلابیون مخالف نظام کار مزدوری سرمایه رادریک طرف و تمام ستمگران، استثمارگران و مزدوران آنها را در طرف دیگر قرار میداد. امروز نیز وقتی که از این مبارزه که انقلاب کبیرفرهنگی پرولتاریایی اوج آن است یاد میکنیم، تمام کمونیست ها و انقلابیون دنیا در یک طرف به پشتیبانی از آن صف میکشند و تمام امپریالیستها، اپورتونیستها و رویزونیستها، تریسکیست ها و شبه تریسکیستها در جانب دیگر می ایستند.

مبارزه چگونه به اوج خویش رسید و انقلاب کبیرفرهنگی شروع شد و چگونه ببیش رفت؟ نگاهی بر جوانب مختلف انقلاب.

مائو بتاریخ پنجم اگست 1966 بر روی یک پوستر بزرگ نوشت "مرکز فرماندهی رهروان سرمایه‌داری رایه توپ ببندید!!". مائوتسه دون و رفقای راستینش صد هاملیون چینی را برای نبرد بارهروان سرمایه‌داری فرا خواندند. آنها حتی اینبار حزب را یعنی همان چیز پراکه در آثار کلاسیک مارکسیزم عمده ترین وسیله مبارزه طبقاتی پرولتاریا میخوانیم و بعضی هاستی از آن یک شیئی "مقدس" ساخته اند، در معرض آزمایش توده ها قرار دادند. توده های ملیونی باید آزمایش میکردند که راستی حزب این وسیله مبارزه طبقاتی پرولتاریا هنوز هم کار آئی دارد یا اینکه آنرا موریا نه سرمایه‌داری و زنگ بی تفاوتی از کار انداخته و به دستگاه نمایشی-رسمی مبدل ساخته است.

بتاریخ 8 اگست سال 1966 کمیته مرکزی حزب کمونیست چین 16 نکته را بتصویب رسانید که با این جملات

آغاز میشوند¹: "اگر چند بورژوازی سرنگون گردیده ولی هنوز هم تلاش میکند تا بتوسل به افکار کهن، فرهنگ، سنت و عادات طبقات استثمارگر توده‌ها را فاسد نموده، افکارشان را تغییر داده و احیای سرمایه‌داری را ممکن سازد. پرولتاریا باید دقیقاً خلاف آنرا انجام بدهند: پرولتاریا باید در همه مسایل با بورژوازی به مقابله برخیزد، در ساحات ایدئولوژی، استفاده از ایده‌های جدید، فرهنگ، سنت و عادات برای تغییر دادن آذهان تمام جامعه در حال حاضر هدف مابارستست از مبارزه علیه اینگونه افراد

مائوتسه دون بتاريخ 5 اگست 1966 بر روی یک پوستری بزرگ به خط درشت نوشت، "مقررماندهی آنهایی را که در راه سرمای‌داری گام گذاشته اند، بمبارد کنید!" مائو این پوستر را بر روی دروازه ورودی ساختمانی که در آن دفتر مرکزی حزب کمونیست چین قرار داشت نصب کرد.

این عکس، مائوتسه دون را با همان پوستر تاریخی معروف در ماه اگست سال 1966 نشان می‌دهد.



در دستگاه حکمرانی که صاحب مقام بوده و در راه سرمای‌داری گام بر میدارند، و انتقاد و طرد "مقامات" مرتجع بورژوازی و ایدئولوژی بورژوازی و سایر طبقات استثمارگر و تغییر تعلیم و تربیه، ادبیات هنر و تمام ساختار روبنایی دگر که با ساختار اقتصادی سوسیالیسم سازگاری ندارند، تا بتوان نظام سوسیالیسم را انکشاف داده و مستحکم سازیم"

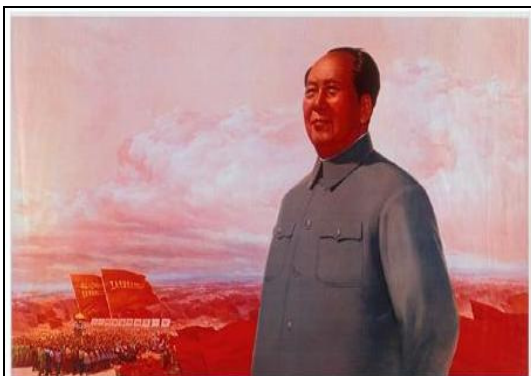
بتاریخ 13 اگست سال 1966 دستگاه خبررسانی انگلستان B.B.C. چنین گزارش داد: "پس از 4 سال دایر شدن جلسه کمیته مرکزی، در اولین روز نشستی، اعلام کرد که چین یک "گام دیگر پیش را" برخواهد داشت. چنین بنظر میرسد که پکینگ مصمم است اندیشه‌های مائوتسه دون را گسترش داده همه "آنهایی که در راه سرمایه‌داری گام گذاشته اند" از میان بردارد"². بدینگونه آغاز انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی بتاریخ 13 اگست 966 از رسانه‌های غربی پخش شد.

مائوتسه دون و کمونیستهای واقعی صدها میلیون چینی را فراخوانده بود که متشکل شوند و هر روان سرمایه‌داری را در هر مقامیکه هستند مورد بازخواست قرار دهند. اما این به آن معنی نبود که هر کس هر چه دلش شد انجام دهد. رهنمود مشخص در این مورد این بود: "در هر جایی که جروبحتی بمیان می‌آید باید بر دلیل

¹ Although the bourgeoisie has been overthrown, it is still trying to use the old ideas, culture, customs and habits of the exploiting classes to corrupt the masses, capture their minds and endeavor to stage a come-back. The proletariat must do just the opposite: it must meet head-on every challenge of the bourgeoisie, in the ideological field and use the new ideas, culture, customs and habits of the proletariat to change the mental outlook of the whole of society. At present, our objective is to struggle against and such those persons in authority who are taking the capitalist road, to criticize and repudiate the reactionary bourgeois academic "authorities" and the ideology of the bourgeoisie and all other exploiting classes and to transform education, literature and art and all other parts of the superstructure that do not correspond to the socialist economic base, so as to facilitate the consolidation and development of the socialist system.

² -China has announced plans for a "new leap forward" after the first meeting in four years of the Communist Party's Central Committee. The blueprint unveiled by the committee shows Peking's determination to spread the words of leader Mao Zedong and purge all those "who have followed the path of capitalism".

استوار باشند برزورخسونت"³ . اکنون دوران آرامش نسبی که به رشد عوامل سرمایداری و بلارفتن آنها بمقام های قدرت کمک میکرد، دیگر با تهدید طوفان روبرو بود. طوفانی که تاریخ هیچ وقت نظیر آن ندیده بود. طوفانی که سالها دوباره ب قدرت رسیدن سرمایداری رابعقب می انداخت.



بر ماست که خلق را متشکل کنیم تا مرتجعین چین را واژگون سازند تمام پدیده های ارتجاعی با هم بکسارند. اگر آنها را نرنید ساقط نخواهد شد. این درست مانند جاروب کردن گف اطاق است. عالی القاعه خس و خاشاک اگر جاروب نشوند بخودی خود زایل نمیشوند

جوانان انقلابی دسته دسته بسیج شده و در شهر و روستا هادست بفعالیت زده بودند. این دسته ها را **گارد سرخ** مینامیدند. گارد سرخ دسته های کوچکتری را ایجاد کرده بود که بنام بریگادهای سرخ یاد میشدند. آنها با فابریکه هامیرفتند، با کارگران مصاحبه میکردند، از زندگی آنها باز دید مینمودند و نتایج تحقیقات و مشاهدات شان را به جلسه بریگادها گزارش میدادند و بر روی آنها بحث مینشستند. در تمام این موارد معیار کار مبارزه طبقاتی و علم انقلاب و بویژه آثار صدر مائو بود. در راستای این مبارزه آنها کارگران سر بیزیر و آنها تیرا که داغ برجگر گذاشته تحمل میکنند پیدا کرده از آنها میخواستند که سراسر است کنند و بچهره آنها تیکه خوش دارند آنها سرشان را پائین اندازند و چیزی نگویند، راست نگاه کنند. زنان که همیشه در جامعه طبقاتی و بویژه جامعه طبقاتی تحت سرمایداری ستم میکشند، برای انقلابیون گارد سرخ موضوع بحث بود. "**زنان نصفی از آسمان را بردوش دارند**" و باید "**خشم آنها را در بر کردن ستم و استعمار رها ساخت**" افراد گارد سرخ به زنان و دختران یاد میدادند که چگونه بپایستند و سنت نازی نازی بودن را کنار بگذارند و حلقه های زنجیر تفاوت بین آنها و مردان را که جامعه طبقاتی آفریده است، در ذهن شان ناپود کنند. اکنون باید زنان بیشتر از پیش متحد میشدند و آنها تیرا که میکوشیدند دوباره زن اسیر و آله لذت جنسی مرد باشند، به پرتگاه تاریخ می انداختند. زنان نیز میدانستند که هیچ نسل زن در سراسر تاریخ چنین فرصتی نداشته اند. به این دلیل آنها با خشم هزاران سال دوران اسارت زن رهروان راه سرمایداری و فساد را نقد میکردند.

مائو یستهار ایگان رنگ، کاغذ و قلم در اختیار توده هامی گذاشتند تا آنها آزادانه و سری انتقادات شان را بر روی پوستهای بزرگ نوشته و بر دروازه های ورودی فابریکه ها و کارخانه ها و سایر جاهان نصب کنند. دهها هزار روزنامه و مجله بطور مجانی بحثها و انتقادات و پیشنهادات صد هاملیون انسان را بچاپ میسپردند. تنهادر شهر پکینگ 900 روزنامه در خدمت اجرای این مسایل بود. کارگران دسته دسته از هر طرف در حالیکه پرچم های سرخ را حمل میکردند و در میدانهای بزرگ شهر هامیشدند، توده ها را به تشکیل فرامیخواندند و امپریالیزم و سرمایداری جهانی را به نبردمی طلبیدند. دهقانان کارها را در مزارع رهامیکردند و آمده به کارگران می پیوستند. آنها شعارهای بزرگ را که بر روی آن نوشته بودند "**رهروان راه سرمایداری را سرنگون کنید!** ساختار قدرت از پائین را ایجاد نمائید!" حمل میکردند. "**کارگران انقلابی**" ارگان حزب کمونیست اضلاع متحده گزارش میداد که در شهرهای مختلف چین بیشتر از 40 میلیون کارگر در این پروسه بغرنج شرکت ورزیده بودند تا قدرت را از عوامل سرمایداری بازستانند. تنهادر شهر شانگهای 700 سازمان پرولتری تحت رهبری مائو یستهای انقلابی بوجود آمده بودند. بدینگونه یک پنجم نفوس جهان علیه سرمایداری و نظام منفرآن بحرکت در آمده بود. تئاتر، رسانه های خبری، فابریکه ها، اتحادیه ها، مزارع، بازار و بارک های نظامی همه و همه بسنگر انقلاب علیه سرمایداری تبدیل شده بودند. چین در تلاطم بود و دریای خروشان خشم توده

³ "Where there is debate, it should be conducted by reasoning and not by force." - کارگران انقلابی، ارگان حزب کمونیست اضلاع متحده³

ها عوامل سرمای‌داری رامی‌لعبید. طلاطم چین جهان و جهانیان دیگر راجرکت در آورده بود. در تکانهای این طلاطم بود که انقلابیون افغانستان بی اساسی و پاگلینی نظام سلطنت خاندانی و مسخره بازی دموکراسی تاجدار را مشاهده کردند. وجود چنین شرایط خارجی بود که جنبش برای دموکراسی در افغانستان، بجهدش کیفی دست یافت و از حالت فرسودگی و انحطاطش که شعار بورژوازی ملی را حمل می‌کرد بمرحله نوین یعنی دموکراسی توده ای یا دموکراسی نوین تکامل نمود. بورژوازی ملی سال هایشتر از آن در جهان باشکست دایمی و تاریخی روبروشده و بر علاوه منحرف و فاسدگهن شده بود. جنبش برای دموکراسی توده ای یا دموکراسی نوین تحت رهبری طبقه کارگراز سال‌های پیش بپدیده نوین جهانی و یگانه آنترناتیف استر اتیژیک تاریخی جوامع عقبمانده گیتی برای رسیدن به سوسیالیزم ارتقایافته بود. در چنین مواردی است که میتوان از نوین بودن حرف زدنه اینکه اگر ببرک بجای امین و کرزی بجای ملا عمر نشانده شد افغانستان نوین میشود!

از حیله دشمنان داخلی تا هجو و مزمت دشمنان خارجی،

بتاریخ 11 جنوری سال 1969 "پروادا" مقاله کشاله داری را در مزمت و هجو انقلاب کبیر فرهنگی تحت عنوان "ماتور سیاسی دسته مائوتسه دون" بچاپ سپرد. چاپ انگلیسی آن که بواسطه Novosty Press و بطور رسمی از جانب انتشارات زبانهای خارجی ماسکو بنشر سپرده شده بود چنین آغاز میشود: "واقعات چار سال گذشته نشان میدهند که تلاش دسته مائوبرای دستیابی بقدرت با زهم و سیعتر با سیاستهای آوانتورستی که بر اینتولوتی ناسیونالیستی خرده بورژوازی، در مخاصمت با مارکسیزم- لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری استوار است، موقعیت سوسیالیزم را در چین بخطر مواجه میسازد. ایندسته درک کرده است که با روال عادی قادر نیست که مردم کارگر چین را به اسباب بیزبان و گوسفندان مطیع مبدل ساخته و به اهداف ضد مردمی و ضد سوسیالیستی شان دست یابند"⁴

Zhong Wenxian نویسنده بیوگرافی مائوتسه دون، در اخیر کتابش به اشاره به انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی، مینویسد: "مائوتسه دون در سالهای اخیر عمرش مرتکب اشتباهات بزرگی شد." برای اینکه دیدلیل اینهمه فحش و ناسزاگوئی میرزا بنویسهای بورژوازی علیه انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری چیست باید جستجو کرد دریافت که این انقلاب چه بهشت برین بورژوازی را برهم زده و چه سلاح نیرومندی را در اختیار پرولتاریای گیتی گذاشته است؟

از کتاب "چین: انقلاب ادامه یافت" نوشته جان مردل و گن کیسل بطور غیر مستقیم نقل میکنیم⁶ "بعد از انقلاب ارضی، دهقانان بیزمین که صاحب زمین شده بودند، با رهبران محلی حزب رابطه خویشاوندی و خونی بر قرار ساخته و به اینطریق یک قشر ممتاز دیگر در بین دهقانان در روستا بجای مالکین ارضی سابق بوجود آمده بود. اینقشر با فاسد ساختن مسئولین حزبی فساد را اشاعه میدادند." تنها وجود اینگونه فساد که در حقیقت امر نشان دهنده وجود عوامل بورژوازی در دستگاه اداری است نشان میدهند که یک عصیان توده ای دیگر از جمله ضرورت‌های تاریخی جامعه بحساب میرود. اما اینگونه فسادها بخش کوچکی از ضرورت انقلاب کبیر فرهنگی بودند تمام آن علیرغم آنکه کمونیستهای واقعی در داخل حزب و دولت با فساد و انواع مختلف آن مبارزه می‌کردند ولی این مبارزه کافی نبود. این مبارزه بخشی از مبارزه بزرگ بین پرولتاریا و بورژوازی در مقیاس تاریخی بود و تکامل می یافت و به رویارویی منجر میشد. چندی از دلایل عینی این رویارویی را مورد گفتگو قرار میدهم: موضوع قرارداد کار، کارگران را در نظر بگیریم. در نظام سوسیالیستی موسسات بزرگ تحت ملکیت دولت قرار داشته و در حقیقت امر تحت ملکیت پرولتاریا میباشد. یکی از پایه های سیادت یادیکتاتوری پرولتاریا از نظر اقتصادی نیز این میباشد. لیوشانچی قانون رفرم کار را پیشنهاد کرد. در این رفرم پیشنهاد میشد که کارگران نباید قرارداد داد انیمی داشته باشند. کارگران باید از طریق قرارداد موقتی شامل کار شوند. این پیشنهاد ظاهر اخیلی معمولی بنظر میرسد ولی اگر دقیقاً به آن توجه کنیم می بینیم که لیواز این طریق کارگران را در یکطرف قرار میدهد و دولت را در جانب دیگر. از نظر سیاسی معنی اینکار جدائی دولت

⁴ به نقل از کتاب **China, The Revolution Continued**، چاپ سال 1970، صفحه 11

⁵ Mao Zedong, Biography, Assessment- Reminiscences- چاپ پکنینگ، صفحه 14

⁶ جان میردل و گون کیسل در سال 1962 در یک روستای کوچک چینی بنام لیونگ لینگ زندگی می‌کرد و در سال 1969 به این روستا بر میگردد. این دونفر مشاهده میکنند که روستای لیون لینگ آنقدر تغییر کرده که آنها آنرا نمیشناسند. جان میردل میگوید که انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی مرانیز تغییر داد. آنها در این روستا میبینند که دهقانان برخلاف 7 سال قبل، به ابتکار خودشان جلسه عمومی اهالی روستا دعوت میکنند، مسایل روزمره فعالیت‌های شان را به بحث میگیرند و استنتاجها و فیصله های شان را با مسئول حزبی روستا در میان میگذارند. آنها دفتر اداره دولتی دهکده را تحت نظر داشته و همه اهالی را در تخاذت تصمیم سهیم میسازند. در حقیقت دولت، حزب و توده هادریک هماهنگی منظم کار میکنند.

از پرولتاریا است. از نظر اقتصادی پرولتاریا از ملکیت این موسسات تولیدی خلع ید میکند. در این صورت دولت که باید یکی از موسسات سیاسی پرولتاریا باشد یکی از موسسات سیاسی بورژوازی تبدیل میشود. می بینیم که عوامل بورژوازی با چه سادگی و حتی بهانه "خیر عامه و بالا بردن سطح تولید" میکوشند اساسی ترین پایه های سیادت پرولتاریا را مورد حمله قرار دهند، موسسات تولیدی را از دست کارگران خارج ساخته و آنها را به فعالین مزد بگیر و قرار دادی تبدیل کنند.

گفته میشود که لیوشائوچی در سال 1956 هنگامیکه در اتحاد شوروی باندرخروش شعارگولاش برای خانواده ها، رابلند کرده، بود، یکدسته از روشنفکران بورژوا را برای مطالعه و تحقیقات در امور قانون کار به آنجا فرستاده بود. اکنون اکادمی سینها و دانشگاهی های رویونیست چینی و سایر ممالک تاسف میخورند که اجرای این قانون نامه در سال 1956 بدلیل بسیج توده ای که مائوتسه دون تحت نام "گام بزرگ به پیش" بوجود آورد "بدبختانه" عملی نشد! لیوشائوچی در سال 60 بار دیگر مانند روح شیطان وارد عمل شد. او این بار از طرح "قرار داد کار برای تمام کارگران" صرف نظر کرده و طرح "شیطانی" دیگر را ریخت که بنام "طرح چرخهای موازی" معروف است. لیوشائوچی در طرح چرخهای موازی پیشنهاد میکند که "فابریکه ها و دستگاه های خصوصی باید حقه داشته باشند که کارگران را با قرار داد موقتی استخدام کرده و در استخراج معادن باید از دهقانان استفاده شود. موسسات خصوصی باید مجاز باشند که تعداد کارگران و مستخدمینی که قرار داد ای می دارند را تقلیل بدهند" اکنون گفته میشود که "بدبختانه این بار نیز این طرح نبوغ آمیز! باخیزش توده هادر انقلاب کبیر فرهنگی، برهم خورد!" تینگسیائو پینگ در سال 1979 این رفرم قانون کار را در اولین روز هائیکه بقدرت رسید مورد اجرا قرار داد.

امادر مقابل این طرحات، طرحهای مائویستی چگونه بودند؟ در سال 1960 کارگران فابریکه ذوب آهن آشان یک اصولنامه چند ماده ای را طرح کردند که بفرار زیرین بود:

- 1- سیاست را بر سایر امور مقدم می شماریم.
- 2- از رهبری حزب جانبداری میکنیم،
- 3- از بسیج توده ای پشتیبانی کرده و خود در آن شرکت میکنیم،
- 4- کادر ها باید بطور سیستماتیک در کارهای تولیدی و کارگران در کارهای اداری سهم شوند،
- 5- تمام قوانین غیر مناسب باید اصلاح شده و وحدت کارگران، کادرهای حزبی، تکنیسینها و تکنالوژی باید در راه اعتلای انقلاب قرار گرفته و انقلاب صنعتی را اماد رسانند.

مائوتسه دون در 22 اپریل سال 1960 تصویب کرد که این قانون نامه در تمام موسسات دولتی باید بعنوان رهنمود مورد استفاده قرار گیرند. مائو این قانون نامه را "اصولنامه آشان" نامید.⁷ یک مثال دیگر: **کمون های توده ای** را در نظر بگیرید. بعد از تصرف قدرت سیاسی حزب تحت رهبری مائوشعار "داوطلبی و منافع همگان" رابلند کرد. دهقانان در جهت استفاده از زمینهای بایر بسیج گردیده و کمون های توده ای را بوجود آوردند. کمون ها اولین ملکیت توده ای یا ملکیت کلکتیو دهقانی بودند. برنامه دولت در مورد این کمونها از قابل استفاده کردن زمینهای بایر گرفته تا آبادی و میکانیزه کردن آنها قابل از قبل وجود داشت. لیوشائوچی و تینگ سیائو پینگ در سالهای اول 1950 پیشنهاد کردند که دولت باید در مورد کمونها سیاست دیگر را دنبال کند. آنها پیشنهاد می کردند که اگر زمین را از اختیار کمونها خارج و در اختیار افراد قرار دهیم و آنوقت هر فرد را میتوان با خریدن آن توله ای به قیمت گزاف میتوان تشویق کرد. در سال 1956 جهش توده ای "گام بزرگ به پیش" این قصد شیطانی لیو-تینگ را عقیم گذاشت. این قصد شیطانی نظم مالکیت همگانی (کلکتیو) را برهم زده و شیوه مالکیت خصوصی را بوجود می آورد.

بدینسان صد هازمین را میتوان نام برد که در آن عوامل سرمای داری میکوشیدند قصد های شیطانی و خیانت بارشان را عملی سازند. این قصد های شیطانی تا زمانیکه مائوتسه دون زنده بود با بسیج های عظیم توده ای عقیم گذاشته میشد. هر بار که یک قصد خیانت بار و یک نقشه شیطانی طرح ریزی میشد، رویونیستهای اتحاد شوروی و مزدوران مسلکی سرمای داری چشم به امید می نشستند و هر بار که این قصد ها و نقشه ها عقیم گذاشته میشد آنها بساط داد و فریاد و بدگویی را می گسترند. به این طریق می بینیم که چرا رویونیستها، اپورتونیستها، تریسکیستها و شبیه تریسکیستهای "کارگری" از مائوتسه دون و مبارزانش علیه عوامل سرمایه داری نفرت دارند. به ایندلیل بود که رویونیستهای اتحاد شوروی برگیم هجو انقلاب کبیر فرهنگی نشستند و بودند و آنرا بحال سوسیالیزم "مضر" میخوانند! Zhong Wenxian رویونیست و نویسنده بیوگرافی مائو میگوید که او در اخر عمرش مرتکب اشتباهات شد.

7- از مقاله پروفیسر پائو یو چینگ "در دفاع از میراث مائوتسه دون".

استراتژی تینگ سیائوپینگ خاین برای برانداختن سوسیالیزم و قدرت طبقه کارگر

امروز در چین کارگران سوانج و مقدار تجربه کارشان را بر کاغذ نوشته و آنرا بگردن شان آویزان و در کوچه و بازار میگردند. سیاحانی اروپائی و امریکائی با اندک انگیزه سیاسی متمایل به "چپ" هنگامیکه از سفرشان به چین برمیگردند در جلساتی که از جانب کمونیست‌ها و پانستیتوت های شناسائی آسیا برگزار میشوند شرکت و چشم دیدشان راقصه میکنند. در یکی از جلساتی که کمونیست‌های فلیپین برای پذیرائی از پروفیسر یائویو چینگ نویسنده رساله "در دفاع از میراث مائوتسه دون" در ماه اپریل سال 2006 ترتیب داده بودند، یکی از سیاحانی که تازه از چین برگشته بود از وضع زندگی کارگران قصه کرد که صاحبان کارگاه های کوچک و متوسط بر چوکی پیش روی رستوران‌ها مینشینند و هنگام عبور اینگونه افراد به آنها اشاره میکنند که نزدیک شوند. کارگران میدانند که باید آنقدر به این افراد نزدیک شوند که آنها بتوانند شرح سوانج و مقدار تجربه کارشان را بخواهند، نه بیشتر از آن. کارگران چین چگونه به این بدبختی و بیچاره گی رسیدند؟

بعد از مرگ مائوتسه دون در سال 1976 سرمایه داری طی یک کودتا حکومت پرولتاریا در چین سرنگون ساخت. سرمایه داری گام بگام امتیازات خلق را غصب کرد. تینگ سیائوپینگ هنگامیکه در سال 1979 با قدرت رسید، گفت که بخاطر عبور از رودخانه باید پاهای خود را بر روی سنگهای زیر آب گذاشته و بسرعت برداشته و به آنطرف خود را رساند. برای اینکار باید اجازه داد که نخست یک عده محدودی ثروتمند شوند. او و دارو دسته اش یک استراتژی حيله گرانه را علیه طبقه کارگر و امحای مالکیت سوسیالیستی اتخاذ کردند که ما در اینجا چندنمونه از اجزای این سیاست را شرح میدهم:

1- الغای کمونهای توده ای،

2- رفرم ساختاری

3- اجرای قوانین کار.

تینگ و دارو دسته بالغای کمونهای توده ای دهقان خرده مالک را بوجد آوردند و سپس اعلان کردند که هر دهقان که از مقدار معین زیادتر تولید کند، دولت آنرا بجای 20% بقیمت 50% یعنی دونیم برابر از او میخرد. دهقانان فکر کردند که این خیلی خوب است و به انحلال کمونها تن در دادند. در سال 1984 یعنی 5 سال بعد از توطئه 20% به 15% تقلیل یافت ولی دولت اعلان میکرد که زندگی دهقانان چین بسیار خوب شده و آنها اکنون وارد یک سطح زندگی بهتر گردیده اند و به ایندلیل باید به آن توجه بیشتر مبذول داشت. در سال 1995-1996، آن 15% به 1% تقلیل یافت و در سال 1997 دولت اعلان کرد که دهقانان باید محصولات کشاورزی را از طریق موسسات دلال بفروش برسانند که در اینصورت همان 1% سودیکه باید عاید دهقانان میشد بحساب این موسسات سرازیر میشود. به اینطریق از سال 1979 تا سال 1997 طی 18 سال تینگ و اخلافت مالکیت توده ای را به مالکیت خصوصی تبدیل نمودند. نتیجه سیاسی این استراتژی جدا ساختن دهقانان از کارگران و منزوی ساختن طبقه کارگر بود.

تینگ و باندش در سال 1985 رفرم ساختاری را روی دست گرفتند. رفرم ساختاری به این معنی که در دوران سوسیالیزم موسساتی که تحت ملکیت دولت قرار داشتند افاده های "سود" و "نقص" رانمی شناختند. اگر این موسسات مفاد می آوردند، آن پول بحساب دولت سرازیر میشد و به همینصورت اگر آنها تاوان میکردند، تاوان آنها نیز از جانب دولت جبران میگردد. اگر در جائی صنایع سنگین تاسیس میشد، حتی اگر آنها علی العجاله پول آورده نمی بودند، مخارج مورد ضرورت آن از خزانه ملی پرداخت میشد. این راهی بود که دولت از آن طریق اقتصاد را اداره میکرد اما تینگ و باندش در سال 1985 مسئله "سود" و "نقص" را مطرح ساختند. آنها موسساتی را که پول بیشتر تولید میکردند در جهان داده و بیشتر بر روی آنها سرمایه گذاری کردند. به اینگونه اهمیت و اولویت موسسات را مقدار سودیکه تولید میکرد تعیین مینمودند نقش آن در اقتصاد کلکتیو سوسیالیستی و سیاست کلی پرولتاریایی. هر جائیکه پای "سود" مطرح باشد حرف "مدیر" و "رئیس" نیز مطرح میشود. تینگ و باندش حقوق و امتیازات مدیران و روسای شرکتها و موسسات را بطور سرسام آفرایش داده و اختیارات آنها را تا حد فروش موسسات دولتی بالا بردند. آنها موسسات دولتی را بیپانه اینکه "خوبکار نمی کنند دولت ضرر میکند" به فروش میگردانند و میفروختند. هر اندازه که این موسسات و فابریکه ها از اختیارات دولت خارج و خصوصی میشدند، بهمان اندازه کارگران آنها امتیازات قرارداد دایمی شان را قانوناً دست میدادند و بیکار میشدند. در اوایل دهه 90 بیشتر از ده میلیون کارگر بیکار شده بودند که در کوچه و خیابان بدنبال کار میگشتند.

در سال 1989 محصلین در میدان بزرگ تین آن مین علیه بعضی از سیاستهای دولت دست بتظاهرات زدند. در این تظاهرات کارگران نیز شرکت ورزیده بودند. این مسئله تینگ و باندش را وادار ساخت. تینگ و باند تصمیم گرفتند که بین کارگران و همه آنها نیکه روشنفکر حساب میشوند از نظر اقتصادی خط بکشند. آنها

شروع کردند به رشوه دادن مقامات دولتی و روشنفکران. این کاربین کارگران و روشنفکران از نظر سطح زندگی و احساس ضرورت انقلاب نیز تفاوت ایجاد نمود و کارگران را بیشتر منزوی ساخت.

در سال 1979 تینگ و باندش بمرور یک بر قدرت تکیه زدند، قوانین و فرم کار را که لیوشائوچی نوشته بود عملی ساختند. اینها نمونه های اندک ما از میان صدها نمونه دیگر انتخاب کرده ایم. ما معتقدیم که به این مسئله باید از این دیدگاه نگاه کرد که هر طبقه هنگامیکه قدرت سیاسی را در دست میگیرد تمام زیر و بم، هست و بود و دار و ندار جامعه را بر منافع و خواست طبقاتی خود باطرح یک استراتژی پله ای، تغییر میدهد.

چین امروز

پروفیسور پائو یوچینگ مدافع میراث انقلابی مائوتسه دون مینویسد: "اگر هر جمیع جامعه چین را به پنج طبقه تقسیم کنیم، طبقه اول، بابالاترین طبقه آن، مالک 50% تمام عواید چین میباشد. طبقه پائین آن فقط 4.7% آن را سهم میبرند. آنها تیکه ثروتمندان از سطح ندگی بی اندازه خوب برخوردار میباشند و باید اضافه کرد که ثروت آنها از طریق مجاری رسمی بدست آمده است. منابع این ثروت مندی فساد دولتی، فروش مایملک دولت و داد و ستدهای دیگر میباشند." ⁸ پائو یوچینگ ادامه میدهد "در چین امروزی یک مزاق رواج یافته و آن اینکه اگر شما تمام مقامات دولتی را بجز فساد دستگیر کنید و سپس آنها را شماره بزنید و آنها را که شماره شان اعداد جفت اند (2 و 4 و 6 و 8...) اعدام کنید، باز هم به عین تعداد فساد دستگاه دولتی باقی میماند." پائو یوچینگ شرح داد که حقوق یک کارگر از 600 یین (74 دلار امریکائی) تا 1000 یین میباشد. دهقانان و کارگران مضاف بر سیه روزی ای که از نظر اقتصادی نصیب شان است، از جانب پولیس و مقامات دولتی نیز باخشنترین وجه پذیرائی میشوند. حزب کمونیست بر سر قدرت و دولت، خشونت و سرکوب را بطور سیستماتیک پیاده و عملی میکنند. پائو یوچینگ در این مورد خاطرانش را چنین شرح میدهد "در یکی از شهرهایی که من بودم مردم نقل میکردند که دو دختر را یک روز پولیس ایستاد میگرد میگوید که برای بایسکل شان نمره هویت درست تهیه کنند. فردای آن باز هم یکی از آن دختران را ایستاد میگرد میگوید که چرا شماره هویت درست برای بایسکلش تهیه نکرده است و سپس هر دو دختر را توقیف میکند. چند روز بعد جنازه این دو دختر را در حالی که به هر دوی آنها تجاوز شده بود، پیدا میکنند. تمام شهر به حرکت در می آید مردم از مقامات میطلبند که آنها را که مرتکب این جنایت شده اند مجازات کنند. مقامات پولیس بجای مجازات جنایتکاران، یک نفر بیچاره و بیغرض دیگر را دستگیر و تحویل خانواده دختران مقتول میکنند. آن مرد زندگی اش را به مبلغ 10000 یین از خانواده های دختران باز میخرند" ⁹

اوضاع در روستاها نیز بهتر از این نیست. صاحبان زمین در حال حاضر باخشنونت بیشتر از ملاکین در دوران قبل از انقلاب با دهقانان رفتار میکنند. یک انجیر متخصص ساختمان اروپائی که برای یک شرکت ساختمانی هالندی در چین کار میکند در جلسه سخنرانی خانم پائو یوچینگ قصه کرد که شاهد بوده دهقانان بخاطر شکایت از حکام محلی راهی پکینگ شده ولی در وسط راه بقتل رسیده اند. همین فرد گفت که اگر یک دختر در یک منطقه ثروتمند شانگهای یا پکینگ یا یک شهر دیگر فاحشه باشد پدر و مادرش افتخار میکنند.

پائو یوچینگ میگوید "حزب کمونیست چین دیگر اعضایش را از میان کارگران و دهقانان انتخاب نمیکند. کارگران و دهقانان دیگر نمیتوانند عضو حزب کمونیست چین شوند! نسل نوچین از گذشته و انقلاب نسل پیشین کاملاً خبر اند من باب بسیاری از چینی ها که صحبت کردم آنها حتی نمیدانند که اسلاف شان چه سنت انقلابی پرافتخار داشته اند. حزب کمونیست کنونی حاکم بر چین همه چیز است بغیر از کمونیست. این حزب تمام عناصر سوسیالیزم را نابود کرده است" ¹⁰

"امروز بسیار اند افرادی که تصور میکنند چین مرکزی قدرت کاپیتالیستی خواهد شد. اما این یک تصور واهی است زیرا اقتصاد کشاورزی چین عقبمانده و انقلاب ارضی کاملاً برگردانده شده است. جنگلات در بدترین وضع است. بازار داخلی بنابه پائین بودن دستمزدها کارگران یک بازار کوچک میباشد و 90% فابریکه های بیشتر از ظرفیت شان بکار گرفته شده. چین با استفاده از واردات ظرفیت استخدام و عایدات ایجاد میکند. اضلاع متحده بزرگترین صادرکننده میباشد که از چین پول قرض میکنند تا از چین بخرند. چین به صنعت و واردات خارجی وابسته است. رژیم کنونی چین عضویت در سازمان تجارت جهانی را بقیمت بسیار گزافی بدست آورد. آنها صنایع خدماتی را از بین بردند و بجای آن صنایع الکترونی، کامپیوتر و دو سازی را آوردند.

⁸ - سخنرانی پروفیسور پائو یوچینگ که در دعوت حزب کمونیست فلپین در تاریخ در هالند، ایراد شده است.
⁸ - همانجا. (خانم پروفیسور پائو یوچینگ - استاد بازنشسته دانشگاه Marygrove در ایالت Michigan اضلاع متحده میباشد که فعال در شهر تاجینگ در تایوان زندگی میکند. مادر این نوشته از چندین سخنرانی و نوشته او که در Bulatlat بنشر سپرده شده استفاده کرده ایم)

در سال 2010 بانک های خارجی مانند بانکهای ملی کارخواهند کرد. از جمله 1000 بانک مهم در چین، چین فقط مالک 16 آنها میباشد که از این 16 باز هم 15 آنها بواسطه بانکهای خارجی کنترل میشود. Bank of America (یک بانک امریکائی) و یک بانک انگلیسی Royal Bank of Scotland (میلیاردها دلار) بخاطر خریدن بانکهای محلی سرمایه گذاری میکنند. در طی 25 سال اخیر محیط زیست و منابع طبیعی چین شدیداً صدمه دیده اند. قحطی آب روستاها را تهدید میکند و منابع دیگر بطور وحشتناک مورد بهره برداری قرار گرفته اند. بطور خلاصه رشد سرمایه داری در چین اصلی و پایه ای نیست. "چین بیک ابر قدرت تبدیل میشود" فقط یک تبلیغات امریکائی است. اما تینگ و باندش برای همیشه در بطن تاریکی های تاریخ نمیتوانند پنهان شوند. با فراگیری فقر، قحطی، خرابی محیط زیست و بیکاری خیانت تینگ و باند بر ملا میشود. امروز، ایامی است که کارگران چین بر میگردند و میپرسند که چه واقع شد به این دلیل چین آهسته آهسته از تاریکی بیرون می آید" ¹¹.

جنبش های ضد رژیم در چین،

با این اوضاع پیدایش و رشد جنبشهای ضد رژیم و سپس رشد آنها بجنبشهای انقلابی و کمونیستی یک امر اجتناب ناپذیر است. در چین کنونی هر سال بیشتر از 70000 تا 80000 (هفتاد تا هشتاد هزار) اعتصاب توده ای صورت میگیرد. هر روز در چین بطور اوسط بیشتر از 205 اعتصاب بوقوع میپیوندد. بعضی اوقات اعتصاب های بزرگ نیز واقع میشود که بیشتر بقیام های توده ای شبیه است تا به اعتصاب. قیام تاجینگ، یکی از این قیام های بزرگ است. اگر در چین یک حزب کمونیست مائویستی میبود، قیام تاجینگ یک "خیزش خزانی" دیگر در تاریخ بود. در ماه اپریل سال 2001 مردم تاجینگ شاهد یک خیزش، یک یادآوری از دوران قهرمانی های خلق چین و یک بازگویی از فرهنگ خیزش و شورش بودند. در این شهر بود که کارگران در پاسخ به برکناری چندتن از همزنجیران آنها از کار دست به اعتصاب زدند. بزودی 70000 کارگر دستاز کار برداشتند و به اعتصاب پیوستند. چند نفر از کارگران که از شدت خشم بین "عقلانیت" و "احساسات" نتوانستند فرق بگذارند دفتر و لسوال را بمب گذاری کرده، و لسوال، معاون او و مسئول محلی حزب و 9 تن دیگر بشمول سه نفر از کارگران راکه در حادثه شرکت داشتند، از بین بردند. دولت بخاطر سرکوب قیام 50000 سرباز تاندان مسلح را به تاجینگ اعزام داشت. سربازان آمده شهر و فابریکه ها را محاصره کردند. تانکها، عراده های زرهی و تسلیحات سبک و سنگین ارتش را بر سر چارراهی ها و مناطق گرهی تاجینگ بنام "اعاده امنیت" به نمایش گذاشتند. آنها تصور می کردند که کارگران مسئله راحل شده و دولت را برنده خوانده سربزیر پرستهایشان بکار بر میگردند. آنها به راحتی میروند و عاملین قیام و نا آرامی را دستگیر و مجازات میکنند. اما کور خوانده بودند زیرا کارگران تاجینگ برای یک نبرد مسلحانه با ارتش 50000 نفری آماده میشدند. سربازان در حالیکه شهر و فابریکه ها را در محاصره گرفته بودند، کارگران چندین حلقه محاصره شدید را به اطراف آنها تشکیل دادند. محاصره شهر و فابریکه ها توسط سربازان و سپس محاصره سربازان بواسطه کارگران مدتها بطول انجامید تا اینکه هشت ماه بعد دولت مجبور شد کارگرانی را که از کار بیکار شده بودند جبران خساره نموده و سربازانش را از حلقه های محاصر کارگران نجات بدهد.

کارگران پیروزی شان را جشن گرفته و یک بنای یادگار با عظمت بیادبود سه تن از کارگران شهید در مرکز شهر تاجینگ بنا نهادند. پروفیسور پائو یو چینگ در این مورد گفت: "آن کارگران ممکن است در نظر دولت و حزب حاکم جنایتکاران و ماجراجویان بحساب آیندولی برای کارگران تاجینگ، آنها کارگران قهرمانی هستند که سزاوار بنای یادبود میباشند" ¹²

ما یقین داریم که هیچ جنبش کارگری بدون وجود عنصر آگاه و رهبری کننده متشکل یعنی حزب کمونیست نمیتواند بجنبشهای "سرمایداری بر انداز" مبدل شوند. ممکن است جنبشهای کارگری اوج بگیرند و رژیم را سرنگون کنند ولی فقط بکنوع سرمایه داری را سرنگون ساخته اند و نوع دیگری را با تغییر نام و سرخاب و سفید آب فرم بوجود آورده اند. برای سرنگون ساختن سرمایه داری در چین شرط اول تاسیس یک حزب مائویستی میباشد. همانگونه که افغانستان به یک چنین حزب انقلابی مائویستی نیاز دارد، چین نیز به آن نیاز مند میباشد. همانگونه که افغانستان یک روز یک چنین حزب مائویستی انقلابی ایرا خواهد داشت که خلق را در بر انداختن اشغال امپریالیزم، فئودالیزم و سرمایه داری کمپرادور رهبری کند، کارگران و خلق چین نیز سرانجام ارگان پیش آهنگ مائویستی خود را تاسیس و چین را از سلطه کمپرادورها، امپریالیزم، ملاکان و نولوٹ اخلاف لیوتینگ رها خواهد ساخت. ما برای تعریف وضع کنونی گفته مائوتسه دون را تکرار می کنیم

¹¹- همانجا

¹²- از متن سخنرانی پروفیسور پائو یو چینگ در شهر اتر بخت هالند به دعوت حزب کمونیست فلیپین.

"هنگامیکه آسمان راپوششی از ابرهای سیاه فراگرفته بود ما یادآور شدیم که این فقط پدیده ای موقتی است. ظلمت و تاریکی بزودی وداع خواهدگفت و سپیده صبحگاهی مژده ورود خواهد داد"¹³

انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین برای افغانستانیهای انقلابی و پیشرو که نجات خلق افغانستان ورهائی بشریت را از چنگ امپریالیزم و ارتجاع میخوانند، از اهمیت عظیمی برخوردار است. زیرا این انقلاب بود که شرایط خارجی ظهور سازمان جوانان مترقی، شگوفائی جنبش دموکراتیک نوین و اشاعه مارکسیزم-لنینزم-مائوئیزم و ظهور رهبران بزرگ انقلابی و مائویست نظیر رفیق شهید اکرم یاری و رفقای همزمش را ممکن ساخت. دست آوردهای انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی برای ما افغانستانیها در جهت تاسیس یک حزب کمونیست واقعی و مبارزه بارویزیونیزم، اپورتونیزم، پاسیفیزم و فتللیزم بسیار مهم است.

زنده باد مارکسیزم-لنینزم-مائوئیزم!
مرگ بر امپریالیستهای اشغالگر!
مرگ بر فنودالیزم، سرمایرداری کمپرادور و ارتجاع
درس های انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی را بسلاح مبارزه علیه رویونیزم، شبه ترتیسیکیزم
و اکونومیزم میدل کنید.
از دسهای انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی برای تاسیس حزب مائویستی افغانستان بیاموزیم!

مائویست های افغانستان،
سپتامبر 2006

به این آدرس با ما مکاتبه کنید

P.O. Box 1
Station H
Montreal, Quebec
H3G 2K5
CANADA

¹³-نقل و قولهای از آثار فصل جرانت بمبارزه و جرانت برای کسب پیروزی—ص. 91